



مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v10i36.29644>



مقاله پژوهشی

تأملی بر چالش‌های اخلاقی مدرنیته در مواجهه با حقوق محیط زیست

علی مشهدی^۱

۱. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شکل‌گیری حقوق محیط زیست، در پاسخ به برخی بحران‌های اخلاقی - فلسفی دوره مدرن بوده است. سؤال اساسی این است که از لحاظ مبانی، حقوق محیط زیست با چه چالش‌های اخلاقی در دوره مدرن مواجه است؟ در این مقاله کوشیده شده است، برخی چالش‌های اخلاقی دوران مدرن در ارتباط با حقوق محیط زیست، تحلیل و ارزیابی شوند.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایر منابع در دسترس به مسأله فوق پرداخته است. رویکرد روش‌شناختی پژوهش حاضر هم مبتنی بر دگماتیسم حقوقی (توصیف نظام حقوقی موجود) و هم روش سیستمی (نقد کفایت، سودمندی و کارکرد قواعد کنونی) است.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش مقاله، صداقت و امانتداری رعایت شده است. **یافته‌ها:** اجمالاً چهار دسته چالش اخلاقی تحلیل شده است: ۱- چالش انسان‌محوری و خودمحوری؛ ۲- دوگانگانگاری محیطی؛ ۳- فایده‌گرایی و اصالت سود؛ ۴- ارزش ابزاری طبیعت. در نهایت از ضرورت توجه اخلاقی به حقوق محیط زیست و توجه به اخلاق جدیدی تحت عنوان «اخلاق زمین» دفاع شده است. فرض اساسی این مقاله بر این مبنا استوار است که مبانی اخلاقی مدرنیته در ارتباط با بهره‌برداری از محیط زیست و منابع طبیعی نیازمند بازبینی جدی است، چه اینکه نمی‌توان بدون توجه به چالش‌های مذکور به حفاظت از محیط زیست و کارآمدی نظام حقوق محیط زیست در جهان خوش‌بین بود.

نتیجه‌گیری: در نظام حقوق محیط زیست با چهار دسته چالش اخلاقی فوق مواجهیم. این دانش جهت رسیدن به اهداف غایی خود نیازمند توجه به این مبانی به ویژه در وضع قوانین و مقررات زیست‌محیطی است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

واژگان کلیدی:

چالش‌های اخلاقی

مدرنیته

انسان‌محوری

حقوق محیط زیست

اخلاق زمین

* نویسنده مسئول: علی مشهدی

آدرس پستی: ایران، قم، دانشگاه قم، دانشکده

حقوق، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل.

کد پستی: ۳۲۱۰۳۶۲۷

پست الکترونیک:

Droitenviro@gmail.com

۱. مقدمه

چالش‌های اخلاقی - فلسفی منتهی به شکل‌گیری نظام حقوق محیط زیست، یکی از مسائل اساسی درک ماهیت این حوزه است که امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که به نظر می‌رسد، شکل‌گیری حقوق محیط زیست در دوره مدرن ریشه در بحرانی دارد که واجد چالش‌های اخلاقی - فلسفی انسان در مواجهه با طبیعت است (۱). بدین‌سان باید گفت، شدت انسان‌محوری محیطی در عرصه فلسفی، حقوقی و اخلاقی ریشه در غفلت‌های تئوریک پس از عصر روشنگری دارد. غفلتی که به نوبه خود انسان را تحت تأثیر قرار داد و مشخصاً با گسترش تخریب طبیعت پس از سال‌های دهه هفتاد قرن بیستم، نمود عینی در طبیعت یافت. بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، تخریب جنگل‌ها، از بین‌رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، بی‌رحمی نسبت به حیوانات، آلودگی آب‌ها، تخریب فضاها، خوش روستایی، سواحل و کوهستان‌ها، گسترش بی‌حد و حصر شهرنشینی و دخالت‌های بی‌رویه انسان در چرخه طبیعت نمونه‌های از این مسائل بودند. طیفی از این دست مسائل و شکل‌گیری آن‌ها همواره مورد توجه اکولوژیست‌ها بوده است. فارغ از ملاحظات تکنیکی، بخشی از این مسائل حاصل بحران‌هایی است که در نوع تفکر، تلقی و مواجهه انسان با طبیعت شکل گرفته است.

در دوره مدرن رابطه انسان و عناصر طبیعت به مثابه یک «منبع» و گاهی به عنوان یک «کالا» و حتی شاید عنوان دشمنی تعریف می‌گردد که باید آن را تحت کنترل نیروهای انسانی قرار داد (۲). نخستین تلاش‌های انسان برای مهار طبیعت اساساً از این واقعیت نشأت می‌گیرد. در دوره مدرن با دستیابی به علم و تکنولوژی‌های پیشرفته، طبیعت و نیروهای طبیعی تحت کنترل انسان درمی‌آید. این دوره مشخصاً با اختراع ماشین و شروع انقلاب صنعتی مصادف است. «پیشرفت علم و فناوری انسان را قادر ساخت تا طبیعت را مقهور خویش ساخته و موجب انهدام تدریجی، اما مستمر محیط زیست

گردد» (۳). انسان با کمک فناوری‌های جدید راه‌های مهار طبیعت و غلبه بر آن را آموخت و به بهره‌برداری سریع و باور نکردنی از منابع روی آورد. به بیان اکولوژیک «رد پای اکولوژیکی انسان در جهان (Ecological Footprint)» روز به روز در حال گسترش است (۴-۵).

در این دوره انسان این امکان را می‌یابد تا با قدرت ماشین و با تکیه بر عقل ابزاری محض «در محیط پیرامونش تصرف کند و با مهار طبیعت بیش از پیش از آن استفاده نماید، به همین سبب کالیون با بیان داستان حضرت نوح در ساختن کشتی برای نجات گونه‌ها بیان می‌دارد که به نظر می‌رسد تخریب شدید محیط زیست از ناحیه منابع انسانی تقریباً امر جدیدی است و از زمان انقلاب صنعتی مطرح گردیده است» (۶). این امر از سویی دیگر ناشی از تلقی است که پیشگامان رنسانس از انسان و دانش و محیط زیست عرضه کردند (۷). به قول بیری با این تعریف جدید نسبت میان انسان و طبیعت تغییر کرد و با اتکا به اندیشه‌های فرانسیس بیکن نظریه‌های «هم‌سنخی انسان با طبیعت» جای خود را به نظریه‌های «مهار طبیعت به نفع انسان» داد (۸). در ادامه چنین بحرانی بود که حقوق محیط زیست جهت بهسازی، کنترل و پیشگیری از تخریب طبیعت شکل گرفت. در واقع حقوق محیط زیست واکنشی به این بحران‌ها بود. این نوشتار به دنبال تحلیل این مسأله است که از لحاظ مبانی، حقوق محیط زیست با چه چالش‌های اخلاقی در دوره مدرن مواجه بوده است؟ یا اساساً حقوق محیط زیست چگونه می‌خواهد به این چالش‌های اخلاقی پاسخ دهد؟ در ادامه سعی شده است تا برخی ابعاد نظری این مسأله تحلیل و واکاوی گردد.

۲. ملاحظات اخلاقی

صداقت و امانتداری در تحلیل و توصیف یافته‌های این پژوهش به همراه حفظ اصالت متون رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مطالعه با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایر منابع در دسترس به مسأله پرداخته است. رویکرد روش‌شناختی مقاله حاضر علاوه بر توصیف وضعیت موجود (دگماتیسم حقوقی)، مبتنی بر روش سیستمی (نقد کفایت و سودمندی نظام حقوقی و اخلاقی محیط زیست) است.

۴. یافته‌ها

تحلیل و تأمل در چالش‌های حقوق و اخلاق محیط زیست نشان می‌دهند که این دانش امروزه، رسالتی متمایز از سایر دانش‌های حقوق در آینده خواهد داشت. این دانش ریشه‌های اخلاقی - حقوقی بحران محیط زیست را به عنوان یک چالش مشترک تنظیم می‌نماید. حقوق محیط زیست می‌تواند با کمک اخلاق، با چالش‌ها، مصائب و بحران‌های زیست محیطی حاصل از دوران مدرن مواجه‌ای منطقی، معتدل و اصلاح‌گرایانه داشته باشد.

۵. بحث

در این قسمت روند روابط میان انسان و طبیعت و عملکرد وی از منظر چالش‌های اخلاقی ناظر به حقوق محیط زیست بحث و ارزیابی می‌شود. از مهم‌ترین این چالش‌های اخلاقی می‌توان به خودمحوری و انسان‌محوری، دوگانه‌انگاری محیطی، لذت‌جویی و فایده‌گرایی و ارزش ابزاری طبیعت اشاره نمود.

۵-۱. چالش خودمحوری و انسان‌محوری: اصالت انسان یا اومانیسیم که با عبارات گوناگونی چون انسان‌مداری، انسان‌گرایی، انسان‌محوری و نظایر آن شناخته می‌شود؛ محصول روندهای فکری عصر روشنگری و پس از آن است. ریشه‌های قدیمی انسان‌گرایی به یونان باستان برمی‌گردد که در فرهنگ یونانی تحت عنوان «اومانیسیم‌های قدیم» مشهور هستند. در نظر اومانیسیم‌های یونان باستان، خدایان رقیب انسان محسوب

می‌شدند و آتش جاویدان در اختیار خدای خدایان (زئوس) قرار داشت تا اینکه انسان تلاش کرد در هیبت پرورته آتش را از زئوس بریاید و از آسمان به زمین آورد و آن را تقدیم انسان نماید.

در این نظریه، اصالت منوط به اراده و خواست انسان است. انسان مبنا و غایت ارزش‌ها قرار می‌گیرد. حقوق محیط زیست برای این شکل گرفته است، چون منافع انسانی به خطر افتاده است و در حقیقت این دانش تضمین‌کننده منافع انسانی است. به عبارتی «انسان به عنوان میزان همه چیز و مرکز عالم است» (۹). این نظریه با محور قراردادن انسان و منافع و همچنین اراده و خرد وی، بدو در برابر آموزه‌های کلیسایی که «محوریت خداوند (Theocentrism)» را مطرح می‌نمود، قرار گرفت (۱۱-۱۰). در واقع در دوران پس از عصر روشنگری اصالت انسان در برابر اصالت خدایان مطرح گردید. در فلسفه‌های محیطی اصالت انسان در برابر اصالت طبیعت که انسان نیز جزئی از آن است، مطرح می‌گردد.

در نظر لین وایت ریشه اصلی بحران محیط زیست ترویج رویکرد استثمار از طبیعت (Exploitative Attitude) در آموزه‌های کلیسایی است که نوعی انسان‌محوری مبتنی بر دین را جانشین طبیعت‌محوری مبتنی بر دین می‌نماید (۱۳-۱۲). برخی فلاسفه نظیر سیدحسین نصر سعی نموده‌اند به تعارض انسان‌گرایی و نظم طبیعت بپردازند که امروزه در ادبیات فلسفه و اخلاق محیط زیست تحت عنوان «انسان‌محوری محیطی (Environmental Anthropocentrism)» می‌شناسیم (۱۵-۱۴). بنابراین پیش از آنکه به نفی یا اثبات انسان‌محوری یا اصالت انسان پرداخته شود، تلاش‌ها معطوف به تأییری است که این جریان فکری بر نحوه برخورد انسان با طبیعت گذاشته است (۹).

در این میان، اندیشه‌های متعددی نیز تأثیرگذار بوده‌اند که از شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به دیدگاه‌های دوگانه‌انگارانه دکارت اشاره نمود. این وقایع و اندیشه‌ها رویکردهای انسان‌محور به

مقهور نمودن طبیعت برای تحمیل نمودن خواسته‌های انسانی بر طبیعت سرکش است. در این میان اشتیاقی سبانه برای از میان برداشتن دشواری‌هایی که طبیعت (بیماری و درد) بر روح و روان انسانی تحمیل نموده است، وجود دارد (۱۷).

۵-۱-۲. غایت‌مداری انسان و محیط زیست‌گرایی کانت: انسان‌گرایی کانت و غایت‌های اخلاقی وی در مورد انسان هم در این زمینه بی‌تأثیر نبود. کانت اساساً یک فیلسوف «انسان‌گرا» است. به این معنا که قواعد و اصول جزمی وی فقط به حوزه آفریده‌ای به نام «انسان» مربوط و محدود است، هرچند طبیعت‌گرایانی چون «واتسون»، «تیلر» و «رگان» بعداً اختصاص احترام کانتی به انسان را به سایر موجودات تعمیم دادند و سخن از غایت‌مداری کانتی در همه عرصه‌ها نمودند. به همین سبب شاید نتوان کانت را در جرگه اندیشه‌های مشدده انسان‌محوری قرار داد (۱۹). به همین سبب تام رگان محیط زیست‌گرایی کانتی را پیشنهاد می‌نماید که مبنای تکالیف ما نسبت به محیط زیست و سایر جانداران غیر انسان، ارزش ذاتی آن‌هاست، زیرا جانوران همچون ما فاعل‌های تجربه‌گرای حیات‌اند (۱). تیلور نیز با الهام از کانت معتقد بود که همه موجودات زنده این صلاحیت را دارند که همچون فاعل‌های اخلاقی انگاشته شوند (۱). بر این اساس نیز حقوق محیط زیست می‌تواند به دنبال کاستن از شدت انسان‌محوری و حمایت از حقوق و منافع همه گونه‌ها اعم از انسان و حیوان و گیاه باشد.

۵-۱-۳. فلسفه‌های اخلاقی اگزیستانس و محیط زیست: فلسفه‌های اگزیستانس، نقش به سزا و انکارناپذیری در نضج انسان‌محوری محیطی داشته‌اند (۱۷). این فلسفه‌ها، انسان‌گرایی تازه‌ای را در عرصه توجه به وجود و ماهیت انسانی مطرح نمودند. در آغاز کسانی مانند، کی‌یر کگار (Kierkegaard)، یاسپرس و هایدگر و سپس ژان پل سارتر و آلبر کامو، در نضج این نظریه بر جریان انسان‌گرایی و تلقی از انسان، اهداف و روش زندگی وی در طبیعت تأثیر مستقیم نهاده‌اند.

محیط زیست (Anthropocentrism) را شکل داد. بر اساس این مبنای، در جهان، این انسان است که ارزش حمایت حقوقی دارد و سایر عناصر طبیعت در مراتب بعدی حمایت قرار دارند (۱۶).

۵-۱-۱. ناهم‌سویی انسان و طبیعت: بقای اصلح: از آثار انسان‌محوری، وضع قوانینی مبتنی بر این دیدگاه است. در این دیدگاه حقوق محیط زیست برای آن ایجاد شده است که از زمین تا آنجایی حفاظت نماید که منافع انسانی مطرح است. کسانی چون، هابز و لاک در ابزاری نشان‌دادن محیط تهی از آدمی نقشی اساسی داشته‌اند. به گفته جان بری، «لاک یکی از نخستین نظریه‌پردازانی است که منطقاً برخورد و ارزش‌گذاری ابزاری (Instrumental Attitude) با محیط تهی از آدمی را توجیه نموده است»، چه اینکه مطابق با فلسفه لاک، انسان‌ها می‌توانند مدعی مالکیت خصوصی بر محیط تهی از آدمی شوند. این رویکرد در هماهنگی با حالت طبیعی هابز (State of Nature) زمینه‌ساز تشدید رویکرد انسان‌گرایانه با محیط تهی از آدمی شد (۱۷).

اسپنسر با طرح داروینیسم اجتماعی (Social Darwinism) که آن را از داروین اقتباس نمود، این ایده را به زندگی جمعی انسانی تسری داد. به همین سبب ویلیام سامنر گفته بود «میلیونرها ثمره انتخاب طبیعی‌اند (Millionaires Are a Product of Natural Selection)» در این دیدگاه صحبت از اصل «بقای اصلح»، یعنی همان انسان شد. این تئوری نه تنها بر اندام‌وارگی محیط اجتماعی انسان‌ها تأثیر نهاد، بلکه به طور کلی محیط تهی از آدمی را نیز بی‌ارزش و تحت سلطه معرفی نمود.

به قول بری «داروینیسم اجتماعی به رقابت میان انسان‌ها در جامعه و نیز میان جامعه انسانی و محیط زیست محوریت بخشید» (۱۸). در این زمینه سهم اندیشه فروید با مقهور نمودن طبیعت در اندیشه وی نیز مؤثر بود. سهم اندیشه فروید در انسان‌محوری محیطی بیشتر مبتنی بر عامل روانی ضرورت

شناسا از متعلق شناسایی و طبیعت از انسان) از مهم‌ترین چالش‌های فلسفی - اخلاقی بحران محیط زیست در دوره مدرن محسوب می‌شود (۲۲). انسان‌محوری با اندیشه فلسفی دکارت به اوج خود رسید. فلسفه دکارت میان ذهن انسان و جهان تفکیک قائل گردید. در اندیشه دکارت ثنویت یا دوگانگی چشم‌گیری بین ذهن انسان و طبیعت به وجود می‌آید و من انسانی چیزی جدای از طبیعت می‌شود.

برآیند فلسفه ذهن و عین دکارت یا دوالیزم دکارتی ابتدای رابطه انسان و طبیعت و حیوانات بر مفهوم سلطه (Domination) است. فلسفه دکارت توانست دوگانه‌انگاری محیطی را به شدت تقویت نماید (۲۲). این فلسفه در سالیان بعد باعث گردید که طبیعت برای انسان تنها ارزش سود انگارانه، در خدمت انسان و فایده‌طلبانه داشته باشد. بر اساس فلسفه دکارت انسان‌ها تنها موجوداتی هستند که از این موهبت برخوردارند. حیوانات مخلوقات روبات ماندنی هستند که هیچ آگاهی ندارند. این نگرش در تخریب و نابودی محیط زیست عامل تأثیرگذاری بوده است (۲۳). بر این اساس تلقی از حقوق محیط زیست نیز مبتنی بر قواعدی بود که منافع انسانی را تأمین و تضمین می‌نمود، اما آیا واقعاً حقوق محیط زیست باید به طبیعت بی‌توجه باشد؟ آیا حقوق محیط زیست برای تضمین چنین برداشتی از طبیعت شکل گرفته است؟ پاسخ از نظرگاه یک اکولوژیست، منفی است.

در برابر این جریان، برخی از اندیشه‌ها به شدت دوالیزم دکارتی را نقد نمودند که می‌توان به کسانی مانند هگل، مارکس و یا دیگر مکتب‌های تحلیلی و پوزیتیویستی قرن بیستم اشاره نمود. هایدگر مشهورترین فلیسوفی است که علیه این فلسفه می‌آشوبد و سخن از وجود واحد می‌نماید. بر اساس نقدهای هایدگری، در فلسفه دکارت انسان به سوژه (فاعل شناسا) و اشیا و جهان پیرامون انسان به ابژه (متعلق شناسایی) تقلیل داده شده است (۲۲). هایدگر انسان‌گرایی را در واقع، پدیده‌ای رومی می‌داند که در آغاز از برخورد و تعامل

فلاسفه اگزیستانس تأکید بر توجه به وجود انسانی دارند. در این اندیشه وجود بر ماهیت مقدم است. این انسان است که آزاد و مسؤول است و در مقابل جهان طبیعت مبتنی بر هیچ نظم از پیش تعریف‌شده‌ای نیست. دنیای طبیعت بی‌هدف و پوچ خلق گردیده است. بنابراین تمام تلاش فیلسوفان اگزیستانس را در تشدید انسان‌محوری محیطی می‌توان در دو امر ذیل خلاصه نمود: نخست اینکه، این فلسفه در تلاش است تا نشان دهد که وجود انسان از سایر گونه‌های زیستی مجزا است و تمایز عمیقی میان ماهیت و وجود انسان با سایر موجودات غیر انسان وجود دارد، هرچند در نهایت هر دو بی‌هدف هستند، ولی وجود انسان به خودی خود ارزشمند است (۲۰)، در این رویکرد انسان یک تمایز اساسی با سایر عناصر زیستی دارد و آن اینکه انسان علاوه بر جهان، بر وجود خود نیز آگاه است، لیکن سایر جانداران این تلقی (خودآگاهی) را از وجود خود ندارند، لذا صحبت نمودن از حقوق و تکالیف زیست‌محیطی برای این بخش اساساً بی‌معناست. بر اساس فلسفه‌های اگزیستانس، دو نوع وجود داریم که از هم دیگر متمایز می‌شوند: ۱- «وجود انسان»؛ ۲- «وجود سایر گونه‌ها» که هر دو این‌ها از جهت «خودآگاهی» با هم تمایز دارند؛ موضوع دومی که در نظریه‌های اگزیستانس و قرائت آن‌ها از انسان در ارتباط مستقیم با فلسفه‌های محیطی است، موضوع پوچ‌بودن و تصادفی‌بودن جهان هستی است که رویکردهای حفاظتی و مبنای حقوق محیط زیست را تهی از هدف می‌سازد (۲۱)، لذا می‌توان گفت همان‌گونه که برخی بر این عقیده‌اند که شدت انسان‌محوری محیطی در عرصه حقوقی ریشه در غفلت‌های فلسفی - اخلاقی پس از عصر روشنگری دارد (۲۰). غفلتی که به نوبه خود انسان را تحت تأثیر قرار داد و مشخصاً با گسترش تخریب طبیعت پس از سال‌های دهه هفتاد نمود عینی یافت.

۵-۲. چالش دوگانه‌انگاری محیطی (تمایز انسان از محیط): دوگانه‌انگاری دکارتی (جدایی ذهن و عین، فاعل

خوشبختی انسان‌ها را اراده می‌کند، پس خوشبختی معیار اراده خداست. خوشبختی به (جمع لذت) تعریف می‌شود. از آنجا که انگیزه فاعل اخلاقی خودگرایانه است و فاعل اخلاقی دنبال لذت خویش است. در انتقاد از فایده‌گرایی هم «فایده‌گرایی جمع‌گرا» و هم «فایده‌گرایی فردگرا» از سوی اکولوژیست‌ها نقد می‌گردد» (۲۶).

نتیجه اولیه‌ای که از این اصل به دست می‌آید، این است که هرگونه مداخله در طبیعت که بیشترین حد آسایش و رفاه را برای آدمیان به بار آورد، مطلوب است. مقتضای این رویکرد، تفسیری فایده‌انگارانه و لذت‌مدارانه از طبیعت و هستی است. این امر از نظر وایت می‌تواند منجر به تخریب محیط زیست شود (۲۷).

فلسفه اصالت نفع در همراهی با تقلیل‌گرایی مبتنی بر جهان بینی مکانیکی به دست‌آمده از فلسفه مکانیکی نیوتن، به جهان به شکل اشیا و پدیده‌های منفک و مجزا می‌نگرد که هیچ ماهیت زنده و به هم‌پیوسته‌ای ندارد (۲۸). در این نگاه دید ابزاری به طبیعت برای تأمین بیشترین رفاه و خیر «انسان» ضروری است. بر اساس این تلقی نظام حقوق محیط زیست می‌تواند با یک چالش اخلاقی مهم مواجه باشد و آن اینکه آیا قواعد و قوانین زیست‌محیطی تنها باید به دنبال تضمین حداکثر رفاه و لذت برای «انسان» و منافع انسانی باشند؟ پاسخ غالب، در فلسفه حقوق محیط زیست به ویژه در رویکردهای طبیعت‌گرا منفی است.

برای مثال پیتر سینگر در دفاع از حقوق حیوانات، برداشتی کاملاً متفاوت از محیط زیست‌گرایی فایده‌گرایانه بنتهام دارد. وی از فایده‌گرایی در راستای توجیه حقوق حیوانات و حفاظت از محیط زیست بهره می‌گیرد. در نظر سینگر، در حیوانات قابلیت لذت و الم وجود دارد، لذا هیچ توجیهی وجود ندارد که احساس رنج جانوران را کم‌اهمیت‌تر از احساس رنج انسان‌ها تلقی نماییم (۱). بر این اساس حقوق محیط زیست باید علاوه

بین فرهنگ‌های رومی و یونانی به وجود آمده است. بدین معنا که در آن «انسان‌های رومی پیوسته در مقابل انسان‌های بربر قرار داده می‌شوند و انسان شرافتمند، یعنی انسان رومی که فضایل رومی را از طریق تعلیم و تربیت کسب می‌کرده است» (۲۴).

جریان شکل‌گیری حقوق و مبانی آن نیز در دوره‌های نخستین تا دوره مدرن نیز بی‌تأثیر از چهره رومی - یونانی این تلقی نیست. این طرز تلقی از طبیعت و جهان به عنوان منبع دائمی منجر به تخریب طبیعت و غلبه رویکردهای انسان‌محور گردید. علاوه بر این علم‌گرایی (سیانتیسم) عصر روشنگری نیز بر شدت سلطه انسان بر طبیعت و توانایی وی بر بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی نیز افزود و تکنولوژی حاصل از این علم‌گرایی افراطی بود. جریان‌های طبیعت‌گرا هرگز به دنبال حذف انسان از طبیعت نبودند، بلکه می‌خواستند بر فعالیت‌های مخرب انسان در طبیعت لگام زنند. این رسالتی است که حقوق محیط زیست آن را بر عهده دارد.

۳-۵. چالش فایده‌گرایی و اصالت سود: از نظر فایده‌گرایانی چون جان استوارت میل، فعل اخلاقی آن است که متضمن کسب بیشترین لذت و خوشبختی و دفع بیشترین رنج و درد برای بیشترین افراد انسانی باشد (۲۵)، هرچند ریشه‌های فایده‌گرایی را می‌توان در اندیشه‌های فلسفی یونان باستان و قرون وسطی یافت، لیکن «در خلال عصر روشنگری بود که سودگرایی به عنوان یک مکتب فکری بزرگ مطرح شد... سودگرایی در واقع پاسخی به نظرات طبیعت‌گرایانه و خودگرایانه هابز بود» (۲۶). از نظر یکی از نویسندگان به نام جان گی (John Gay) انسان به مثابه فاعل اخلاقی به دنبال لذت خویش است. وی در رساله خویش تحت عنوان، در باب اصل بنیادی فضیلت در سال ۱۷۳۱ «ابتدا از معیار فضیلت و سپس از اراده و در نهایت از نظریه تداعی که اساس روان‌شناختی نظریه اخلاقی‌اش بود، سخن گفت. گی نخستین معیار فضیلت را در اراده خدا پیدا کرد. از آنجا که خداوند

بر توجه به منافع انسانی از منافع جانوران و گیاهان نیز حمایت و حفاظت نماید.

۴-۵. چالش ارزش ابزاری طبیعت: چالش مهم دیگر، گزاره‌های اخلاقی است که ارزش طبیعت و محیط زیست را به عنوان یک منبع در اختیار انسان فرو می‌کاهدند. نتیجه رویکردهای انسان‌محور این است که «طبیعت» عنصری وابسته و تبعی محسوب شده و در نهایت به منافع انسانی گره می‌خورد. طبیعت ابزاری است در اختیار انسان تا «بتواند» تا آنجا که «می‌تواند» و «قدرت» دارد، از طبیعت بهره ببرد.

در حالی که در نظریه بوم‌شناسی ژرف آرنه نائس، طبیعت همچون انسان، موجودی زنده تصور می‌شود که حق حیات دارد و قطع نظر از اینکه چه جایگاهی در زندگی انسان می‌تواند داشته باشد، از ارزش ذاتی برخوردار است (۲۹). بوم‌شناسی ژرف از برابری و ارزش حقوقی همه موجودات زنده حمایت می‌کند و ضمن احترام به طبیعت و لزوم مراقبت دائم از آن بر عدم خسارت زدن به گیاهان در حین قدم زدن در کوهستان تأکید می‌نماید.

در نظریه اخلاقی نائس که الهام گرفته از فلسفه اسپینوزا است، با رد فردگرایی ذره‌ای، چنین استدلال می‌شود که جدا و متمایز پنداشتن انسان از باقی جهان، نه تنها آدمی را گرفتار خودخواهی می‌نماید، بلکه سبب برانگیختن حس خودخواهی او نسبت به طبیعت هم می‌شود. این گروه‌ها عموماً طرفدار ارزش ذاتی طبیعت بوده و یا حداقل در توجیه آرا و اندیشه‌های خود از این تئوری بهره می‌جویند (۳۱-۳۰). این گروه که اندیشه‌های آنان به «اکولوژیست‌های عمیق (Deep Ecologist)» پیوند می‌خورد، به دنبال تغییر روابط انسان با طبیعت هستند.

از دیدگاه اکولوژی ژرف، نظام‌های حقوقی سرمایه‌داری بر یک باور غلط بنا شده‌اند و آن بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت برای منافع انسانی است. در نظر این الگوها، اقتصاد سرمایه‌داری به گونه‌ای طراحی شده است که دست نامرئی آن می‌تواند برای همه افراد و همه جامعه‌هایی که بر اساس این الگوها و فارغ از

ملاحظات زیست‌محیطی اداره می‌گردند، زندگی مناسب را به ارمغان آورند، در حالی که اگر رفاه و زندگی مناسب در معنای افزایش «ثروت» و «مصرف» بدانیم، این معنایی جز تهی‌شدن منابع و تخریب محیط زیست نخواهد داشت.

در نظر روتلی، در اخلاق محیط زیست قضایایی وجود دارند که سر ناسازگاری با الگوها و اصول انسان‌محور فلسفه مدرنیته دارند. وی با بیان برهان خلف نشان می‌دهد که چگونه «اصل ارزش» و «اصل آسیب» در ارتباط با بحران محیط زیست نقض می‌شوند، لذا نتیجه می‌گیرد که اولاً برخی از افعال انسان در ارتباط با محیط زیست فارغ از اینکه به منافع انسانی آسیب وارد می‌نماید یا نه ذاتاً خطا است (رد اصل آسیب)؛ ثانیاً برخی از عناصر طبیعت به خودی خود ارزش دارند، فارغ از اینکه منافع انسانی دخیل باشند یا خیر (رد اصل ارزش) (۲۰). پس از ظهور و گسترش بحران محیط زیست در سده‌های اخیر، غلبه رویکرد ارزش ابزاری و انسان‌محوری مورد انتقاد جدی نظریات اخلاقی - فلسفی قرار گرفت. از جمله شاخص‌ترین دیدگاه‌های منتقد می‌توان به آرنه نائس با طرح مفهوم اکوسوفی، تراژی منابع عام هاردین و رجوع به کلام و الهیات محیط زیست کوچ (۱۱) اشاره نمود.

۵-۵. ضرورت توجه اخلاقی به حقوق محیط زیست و

شکل‌گیری اخلاق زمین: پس از ظهور چالش‌های اخلاقی پیش‌گفته و دست‌اندازی انسان بر محیط زیست این جریان مورد انتقاد قرار گرفت و کسانی مانند «آلدو لئوپولد (Aldo Leopold)» بر لزوم شکل‌گیری اخلاقی جدید تحت عنوان «اخلاق زمین» (۳۲) که در آن رابطه انسان و محیط زیست را اخلاقی نماید، تأکید نمودند. وجه مشترک این دیدگاه با دیدگاه‌های منتقد اخلاقی در زمینه بحران محیط زیست، لزوم تعامل و توجه انسان به حقوق طبیعت در فرآیند توسعه صنعتی و انسانی بازمینی مبانی مدرنیته بود (۱۰). این بحران در دو وجه ذهنی و عینی خود را در دوره مدرن نشان داد. بحران محیط زیست، در حقیقت بازخورد نوع تلقی انسان و

مصرف، اصالت فرد انسانی و اصالت عقل بورژوازی نشأت می‌گیرد، در حوزه محیط زیست بسیار غمبار و نگران کننده است. خودمحوری، انسان‌محوری، مصرف‌گرایی، لذت‌جویی افراطی، سودگرایی، ارزش ابزاری طبیعت، فراموشی اخلاق زیست محیطی، توسعه‌گرایی شتاب‌آلود و... نقدهایی هستند که به ساختار مدرنیته و محیط زیست وارد می‌شود و ما را ناچار به بازبینی این مبانی در وضع قوانین و مقررات و نظام حقوق محیط زیست می‌نماید. بدیهی است این چالش‌هایی که از آن‌ها بحث شد، در حقیقت نقدهایی است که در سطح کلان، اجرا و دستیابی به نظام حقوق محیط زیست (در معنای هنجاری) منوط به پذیرش و تغییر، بازبینی و تأمل جدی در آن‌هاست.

۷. تقدیر و تشکر

شکل اولیه این مقاله به صورت سخنرانی در ادوار گفتگوی دینی ایران - اتریش و ایران - اسلونی، توسط نویسنده ارائه گردید. از مرکز بین‌المللی گفتگوی ادیان و فرهنگ‌ها، به ویژه حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر تسخیری، جهت فراهم‌نمودن سفر علمی و تحقیقاتی نگارنده و مباحثه در این زمینه با اساتید اروپایی و آمریکایی تشکر می‌شود. از اساتید مرتبط با حقوق و الهیات محیط زیست، از جمله Jusep Reish استاد دانشگاه میشیگان، Edvard Kovač استاد فلسفه دانشگاه تولوز و پروفیسور Ivan Platovnjak استاد الهیات محیط زیست دانشگاه لیوبلیانا که با ارائه دیدگاه‌ها و مقالات خود، موجب آشنایی‌های عمیق در این مباحث شدند، سپاسگزاری می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

نویسنده این پژوهش، معیارهای استاندارد نویسندگی بر اساس پیشنهادات کمیته بین‌المللی ناشران مجلات پزشکی را رعایت نموده است.

آزادی عمل او در بهره‌برداری از طبیعت پس رنسانس (وجه ذهنی) و انقلاب صنعتی و تکنولوژیکی (وجه عینی) نمود آن است. بنیان‌های مدرنیته که شاخص‌ترین زمینه‌های آن را می‌توان بعد از عصر روشنگری در اروپا یافت، منتهی به تخریب محیط زیست و شدت آن در قرن بیستم گردید. شکل‌گیری حقوق محیط زیست با مفهوم مرکزی «توسعه پایدار» در ذات خود با اصالت سود، اصالت مصرف، انسان‌محوری، خودمحوری، عقل سودبنیان و فراموشی اخلاق و دین، حقوق سایر اجزای طبیعت (زیا و گیا (Fauna & Flora)) ناسازگاری جدی دارد. حقوق محیط زیست نیز سعی نموده است از طریق وضع قوانین و مقررات با بازتعریف رابطه انسان و محیط زیست به آشتی میان مقتضیات توسعه و نیازهای جامعه انسانی و حفظ محیط زیست دست یازد. در این دیدگاه از «مسئولیت‌های اکولوژیک (Écoresponsabilité)» یا «تکالیف» و «حقوق» توأمان انسان‌ها، به مثابه شهروندانی که در زمین زندگی می‌کنند، بحث می‌شود (۳۴-۳۳) و این دوره در واقع عصر آگاهی انسان به آثار زیان‌بار مداخله بی‌حد و حصر انسان در طبیعت است. در این میان کسانی مانند لئوپولد و آرنه نائس سخن از ضرورت تعامل انسان با طبیعت راندند (۳۵). نمود این آگاهی را از جنبه حقوقی ما ابتدا در اسناد بین‌المللی و سپس در حقوق ملی شاهد هستیم.

۹. نتیجه‌گیری

آنچه که به اختصار در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت، تأملی پیرامون چهار دسته چالش اخلاقی در ارتباط با حقوق محیط زیست بود. چالش انسان‌محوری و خودمحوری، دوگانه انگاری محیطی، فایده‌گرایی و اصالت سود و ارزش ابزاری طبیعت مواردی بودند که در خصوص آن‌ها در این نوشتار تأمل گردید.

به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت، به نظر می‌رسد از لحاظ اخلاقی، مبانی مدرنیته که از اصالت سود، اصالت

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Estreba J. Three Challenges with Ethics, Feminism, Environmentalism, Multiculturalism. Translated by Haghi A. 1st ed. Mashhad: Mashhad University Academic Press; 2003. [Persian]
2. Bootkin D. Understanding the Environment. Translated by Vahabzadeh A. 1st ed. Mashhad: Mashhad University Press; 2003. [Persian]
3. Firozi M. The Principles of Right to Environmental in the Qur'an. *Revagh-e Andisheh Review*. 2005; 42: 65-78. [Persian]
4. York R, Eugene A, Thomas D. Footprints on the earth: The environmental consequences of modernity. *American Sociological Review*. 2003; 2(31): 279-300.
5. Collins A, Galli A, Patrizi N, Pulselli FM. Learning and teaching sustainability: The contribution of Ecological Footprint calculators. *Journal of Cleaner Production*. 2018; 3(174): 1000-1010.
6. Kelvin KM. Enforcement of Justice in international environment; law and solutions. Translated by Zahedin Labaf MH. *International Law Journal*. 2005; 2(34): 171-186. [Persian]
7. Scerri A. Deep ecology, the holistic critique of enlightenment dualism and the irony of history. *Environmental Values*. 2016; 25(5): 527-551.
8. Kazemi J. A New Narrative of Religion, the Earth and Life: A Look at the Opinions of Thomas Berry. *Religious News Magazine*. 2010; 2(8): 54-81. [Persian]
9. Nasr SH. Religion and the Order of Nature. Translated by Rahmati I. 3rd ed. Tehran: Ney Publication; 2010. [Persian]
10. Mashhadi A. Cooperation between Muslims and Christians to Promote Environmental Ethics and Law. "International Scientific Conference on the Dialogue between Christians and Muslims at the 800th Anniversary of the Meeting between Saint Francis of Assisi and the Sultan Al-Kamil in Egypt, 1". Ljubliana: Ljubliana University; 2019.
11. Platovnjak I. The Ecological Spirituality in the Light of Laudato si. *Nova Prisučnost: Časopis za Intelktualna i Duhovna Pitanja*. 2019; 17(1): 75-91.
12. Dale J. Ethics and environment. Cambridge: Cambridge University Press; 2010.
13. Mohaghegh Damad SM. Environmental Theology. Tehran: Publications of Iranian Institute of Philosophy of Science and Philosophy; 2014. [Persian]
14. McShane K. Anthropocentrism vs. Nonanthropocentrism: Why should we care?. *Environmental Values*. 2007; 16(2): 169-186.
15. Norton BG. Environmental ethics and weak anthropocentrism. *Environmental Ethics*. 1984; 6(2): 131-148.
16. Quinn F, Castéra J, Clément P. Teachers' conceptions of the environment: Anthropocentrism, non-anthropocentrism, anthropomorphism and the place of nature. *Environmental Education Research*. 2015; 22(6): 893-917.
17. Barry J. Environment and Social Theory. Theran: Environmental Protection Agency; 1999. [Persian]
18. Dickens P. Society and Nature: Towards a Green Social Theory. London: Harvester Wheatsheaf; 1992.
19. Perman R, McGill R. Environmental Economics and Natural Resources. Translated by Arbab HR. Tehran: Ney Publication; 2008. [Persian]
20. Mashhadi A. The Right to a Healthy environment. Tehran: Mizan Publicaton; 2013. [Persian]
21. Gier RN. Postmodernism and the Environmental Crisis. Translated by Sabeti E. Tehran: Fountain Publishing; 2001. [Persian]
22. Mashhadi A, Keshavarz I. Reflection on the Philosophical Foundations of Right to Healthy Environment. *Journal of Islamic Law*. 2012; 2(36): 47-70. [Persian]
23. Shokoui H. Environmental Philosophy and Geographical Schools. Tehran: Geographical and Cartographic Institute Publications; 2008. Vol.2. [Persian]
24. Khazai Z. Sartre's Humanism in Heidegger's View. *Philosophical-Theological Studies*. 2001; 2(9-10): 125-147. [Persian]
25. Eggleston B. Utilitarianism (by John Stuart Mill): with Related Remarks from Mill's Other Writings. Cambridge: Hackett Publishing Company; 2017.
26. Atrak H. Ethical Utilitarianism. *View and Critique Review*. 2003; 84(37-38): 55-91. [Persian]
27. White A. Environmental harms, causation and act utilitarianism. *Environmental Ethics*. 2004; 26(2): 189-203.

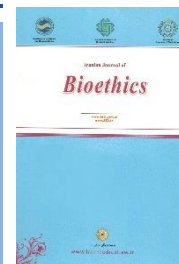
28. Kamkar B, Mahdavi Damghani A. Sustainable Agriculture. Mashhad: Mashhad University Academic Press; 2008. [Persian]
29. Naess A. A defense of the deep ecology movement. *Environmental Ethics*. 1984; 6(3): 3.
30. Zimmerman ME. Feminism, deep ecology and environmental ethics. *Environmental Ethics*. 1984; 9(1): 21-44.
31. Naess A. The basics of deep ecology. *Trumpeter*. 2005; 21(1): 25-87.
32. Leopold A. The land ethic. The Ecological Design and Planning Reader. Washington, DC: Island Press/Center for Resource Economics; 2014. p.108-121.
33. Vincent C. Responsabilité sociale et environnementale. Paris: Charles Léopold Mayer; 2006. p.29-33.
34. Gahlin S. Approche communicationnelle du changement et des crises climatiques: Vers une culture de l'écoresponsabilité. Paris: Thèse de Doctorat; 2015.
35. Fahimi A, Mashhadi A. Intrinsic value and instrumental value in the philosophy of environment. *Journal of Philosophical Theological Research*. 2009; 11(41): 195-219.



Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e1

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v10i36.29644>



ORIGINAL RESEARCH



Reflection on ethical Challenges of Modernity and its Relation to Environmental Law

Ali Mashhadi¹ 

1. Associate Professor, Department of Public & International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 28 September 2020

Accepted: 28 April 2021

Published online: 16 August 2021

Keywords:

Ethical Challenges

Modernity

Anthropocentrism

Environmental Law

Earth Ethics

ABSTRACT

Background and Aim: The formation of environmental rights has been in response to some of the ethical-philosophical crises of the modern era. The main question is what are the ethical challenges of environmental law in the modern era? This article attempts to analyze and evaluate some ethical challenges of the modern era in relation to environmental law.

Materials and Methods: This study analyzes and evaluates the above problem using analytical-descriptive method and library resources and other available resources. The methodological approach of this paper, in addition to describing the existing situation (dogmatism), is based on a systematic approach (critique of the adequacy and usefulness of the environmental legal and ethical system).

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Four categories of ethical challenges are briefly analyzed: 1. These four challenges contain the human-centered (Anthropocentrism) or self-centered challenge; 2. Environmental dualism; 3. Utilitarianism and originality of profit; 4. The instrumental value of nature. Finally the need for ethical attention to environmental law and a new ethics called the "Earth Ethics" has been defended. The basic presumption of this article is based on the belief that the moral foundations of modernity in relation to the exploitation of the environment and natural resources need serious revision.

Conclusion: There are four ethical challenges in the environmental law system. To achieve its ultimate goals, this science needs to pay attention to these principles, especially in enacting environmental laws and regulations.

* Corresponding Author: Ali Mashhadi

Address: Department of Public & International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

Postal Box: 32103627

Email: droitenviro@gmail.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Mashhadi A. Reflection on ethical Challenges of Modernity and its Relation to Environmental Law. *Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e1.